

The effectiveness of psychoeducational and McMaster approaches on increasing cohesion- flexibility of couples

Seyed Jamaledin Nabavi¹, Bagher Sanai Zaker², Alireza kiyamanesh^{2,3}

¹ PhD Candidate of counselling, Department of counselling, Faculty of humanities and social sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Background: The purpose of this study was to investigate the effect of psychoeducational (relationship enrichment) approach and McMaster theory on increasing cohesion-flexibility of couples.

Materials and methods: From among 60 volunteer couples, 24 were randomly selected and divided into two experimental groups of psychoeducational (8 males and 8 females) and McMaster (8 males and 8 females), and one control group (8 males and 8 females). Each of the experimental groups was separately trained in 10 sessions over a three-month period based on the psychoeducational (RE) and McMaster approaches. The participants in the three groups were evaluated by the marital cohesion -flexibility questionnaire in three stages of pre-test, post-test, and follow-up period. Chi-squared was used to analyze data.

Results: The results of the study indicated that the psychoeducational relationship enrichment model and the McMaster model didn't significantly increase cohesion – flexibility among couples ($P>0.05$).

Conclusion: Cohesion and flexibility among spouses are seen in a linear continuum that shows the central points of healthy relationships. Cohesion shows the degree of dependence and independence between spouses and flexibility shows the ability of the marital system as an effective substitute for stress and changes. In this study, two psychoeducational and McMaster's approaches did not succeed to improve cohesion and flexibility between couples.

Keywords: Cohesion, Flexibility, Psychoeducational, McMaster.

Cited as: Nabavi SJ, Sanai Zaker B, Kiyamanesh AR. The effectiveness of psychoeducational and McMaster approaches on increasing cohesion- flexibility of couples. Medical Science Journal of Islamic Azad University, Tehran Medical Branch 2019; 29(1): 83-91.

Correspondence to: Bagher Sanai Zaker

Tel: +98 21 88524040

E-mail: bsanai@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0001-9387-5938

Received: 11 Mar 2018; **Accepted:** 29 May 2018

مقایسه اثر بخشی زوج درمانی به شیوه پربارسازی رابطه و رویکرد مک مستر در افزایش همبستگی - انعطاف پذیری زوج‌ها

سید جمال الدین نبوی^۱، باقر ثنائی ذاکر^۲، علیرضا کیامنش^۳

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد باز نشسته، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۳ استاد بازنشسته، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی تاثیر رویکرد پربارسازی رابطه و رویکرد مک مستر در بهبود همبستگی - انعطاف پذیری در بین همسران انجام شد.

روش بررسی: نمونه آماری، از بین ۶۰ زوج داوطلب برای شرکت در این پژوهش، ۲۴ زوج به صورت تصادفی انتخاب شدند و دوباره به شکل تصادفی به دو گروه آزمایش، روانی - آموزشی (۸ مرد و ۸ زن)، مک مستر (۸ مرد و ۸ زن) و گروه کنترل (۸ و ۸ زن) سازمان دهی شدند. هر یک از گروه‌های آزمایش به طور جداگانه در ۱۰ جلسه در طی سه ماه، بر اساس رویکرد پربارسازی رابطه همسران و رویکرد مک مستر آموزش داده شدند. آزمودنی‌ها و گروه کنترل در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری از طریق پرسشنامه همبستگی - انعطاف پذیری مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این پژوهش برای تحلیل یافته‌ها از روش آماری کای دو استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد رویکردهای روانی - آموزشی غنی سازی روابط همسران و رویکرد مک مستر در مقایسه با گروه کنترل در بهبود همبستگی و انعطاف پذیری آزمودنی‌ها تاثیر معنی‌داری نداشتند ($p > 0/05$).

نتیجه‌گیری: همبستگی و انعطاف پذیری در بین همسران در یک پیوستار خطی دیده می‌شوند که نقاط مرکزی روابط سالم را نشان می‌دهند. همبستگی نشان دهنده درجه وابستگی و استقلال در بین همسران و انعطاف پذیری، توانایی سیستم زناشویی به تغییر پذیری موثر در برابر استرس و تغییرات محیطی تلقی می‌شود. در این پژوهش دو رویکرد روانی - آموزشی و مک مستر در سوق دادن آزمودنی‌ها در منطقه سالم همبستگی - انعطاف پذیری موفق نبودند.

واژگان کلیدی: همبستگی، انعطاف پذیری، پربارسازی رابطه، مک مستر.

مقدمه

شهروندانی شاداب، سرزنده و مسؤل، وجود یک خانواده توانمند و با نشاط، یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است. ستون اصلی و قلب یک خانواده، روابط زن و شوهر با یکدیگر است. اینکه، این دو نفر چگونه با هم تعامل می‌کنند و چگونه نقش‌های خود را در زندگی ایفا می‌کنند، نقش به‌سزایی در تعیین کیفیت ارتباط دیگر اعضای خانواده دارد. ازدواج و تشکیل خانواده از مهم‌ترین رخداد‌های زندگی فردی و اجتماعی است، که عموم مردم آن را تجربه می‌کنند و آینده

خانواده یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی تاثیرگذار بر سلامت فرد و جامعه است، که همه ادیان و مکاتب بشری برای آن ارزش و بهاء بالایی قایل هستند. در حقیقت برای داشتن

آدرس نویسنده مسؤل: تهران، دانشگاه خوارزمی، دکتر باقر ثنائی ذاکر

(email: bsanai@yahoo.com)

ORCID ID: 0000-0001-9387-5938

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۳/۸

همان طور که در شکل ۱ دیده می‌شود، دامنه پیوستار همبستگی، از چپ به راست، از تنیدگی زیاد (آشفته، غیرتعاملی)، که با الگوهای تسلیم-سلطه شناسایی می‌شود، تا توانایی زیاد در برقراری مرادوات موفق و تساوی طلبانه، نوسان دارد. محور عمودی، انعطاف پذیری خانواده را به عنوان بعدی منحصر به الگوی حلقوی پیچیده مطرح می‌کند. پیوستار این محور، از خشک (پایین ترین نقطه) تا آشفته (بالا ترین نقطه)، کشیده شده است. این نمودار برای طبقه بندی الگوهای سخت و/یا افراطی بیشتر خانواده‌ها و زوج‌های ناکارآمد و سبک‌های منعطف تر خانواده‌های کارآ، ترسیم شده است. بر این اساس، خانواده‌های سالم سبک خانوادگی منعطفی را نشان می‌دهند که آنها را قادر می‌سازد تا سبک رفتاری رشدی، فردی و خانوادگی را در طول زمان تغییر دهند.

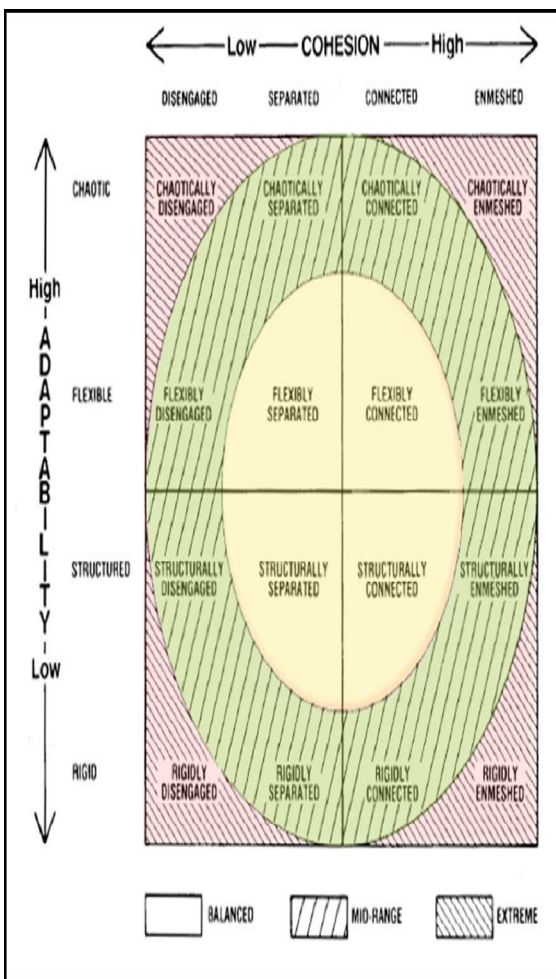
دیگرام الگوی سنجش و ارزیابی پیچیده حلقوی خانواده و زوج در مجموع، همبستگی به معنای بودن با یکدیگر، بدون سلب آرامش شخصی یا تخطی از اصول فردی بین اعضای خانواده و زوج است. به عبارت دیگر، بودن با یکدیگر بدون تجاوز به حریم شخصی و خصوصی همسر. این پیوستار براساس یک منحنی تعریف شده است، چرا که دو انتهای این پیوستار شکل ناکارآمدی به خود می‌گیرند و میانه آن نشان دهنده سلامت مرادوات بین فردی است. هر چه همسران در شکل بودن با یکدیگر، به حریم شخصی یکدیگر احترام بگذارند، به صورتی که باعث دوری‌شان از هم نشود، این الگو سالم‌تر است و بالعکس (۵). با توجه به اهمیت موضوع همبستگی - انعطاف پذیری در دوام و بقا و کیفیت روابط بین همسران، نظریه‌های متعددی در مشاوره خانواده، به این حوزه پرداختند و پژوهش‌های زیادی را انجام دادند. این رویکردها سعی دارند تا با نظریه پردازی و مداخلات درمانی در بهبود و تعادل یابی سطح این دو مفهوم همبستگی و انعطاف پذیری در روابط بین همسران به پربارسازی روابط زناشویی کمک کنند. از جمله این رویکردها، رویکرد مک مستر و رویکرد روانی - آموزشی غنی سازی روابط بین همسران هستند که در این پژوهش به عنوان دو رویکرد کلی نگر و جزئی نگر برای آموزش زوج‌ها استفاده شده است. رویکرد مک مستر به عنوان یکی از رویکردهای تجربی است که بر پایه سیستمی استوار است و در خانواده درمانی در زمینه ارزیابی عملکرد خانواده و نقش آن در حل مشکلات و بهبود کیفیت کارکرد خانواده موفق است. در این الگو، ساختار، چگونگی سازماندهی و الگوهای تبدیلی خانواده مورد

آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عاملی که باعث ادامه زندگی و پایداری یک رابطه می‌شود، علایق و ارزش‌های مشترک است. اما با این حال تفاوت‌های ما نیز به زندگی افزوده می‌شود. با وجود تفاوت‌ها، زوج‌ها می‌توانند یکدیگر را در عین حمایت، پربار و کامل سازند (۱). این نخستین نهاد طبیعی و اجتماعی، چونان پیکره‌ای قدرتمند، عملکردهای اجتماعی، فیزیکی و روانی اعضایش را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند جهت تسریع رشد روانی - اجتماعی اعضاء خود، ایجاد ثبات شخصی در آنها و نیز محافظت از ساختار خود به عنوان یک کل، مأمونی بی‌مانند تلقی گردد. اما یکی از ارمان‌های تمدن ماشین مدار امروز، لرزان گردانیدن پایه‌های این بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است؛ انسداد به وجود آمده میان روابط انسانی و فروپاشی چهل درصدی پیوندهای زناشویی در دهه‌های گذشته گواهی بر صحت این ادعا است (۲).

امروزه جهت مقابله با مسایل دیرپا و مختل کننده خانوادگی، راه حل‌ها و دستورالعمل‌هایی کارآمد در دست است و تعداد روز افزون کتب و پژوهش در این زمینه گواهی است بر صحت این گفتار. اما با وجود این همه قانون کارساز و علم، بسیاری از خانواده‌ها پیرامون این قوانین، هم اکنون نزدیک به نیمی از ارجاعات مراکز بهداشت روان به دنبال تعارضات زناشویی صورت می‌گیرند (۳).

یکی از موضوعات اساسی و مهم در روابط بین همسران، نسبت بین همبستگی و انعطاف پذیری در این رابطه است. یکی از نظریه‌های مهم در این زمینه، الگوی سنجش خانواده و زوج پیچیده حلقوی، توسط اولسون است (۴). این الگو براساس ملاک‌های اصلی همبستگی، انطباق پذیری و ارتباط، خانواده و زوج مراجعه کننده را درجه بندی و دسته بندی می‌کند. ملاک همبستگی از گسسته تا بیش از حد مرتبط/ تنیده، متغیر است و ابعادی مانند پیوند عاطفی، ارتباط خانوادگی، ارتباط زناشویی و رابطه والد-فرزندی، را در بر می‌گیرد. بعد همبستگی درجه بندی مرزهای درونی (زمان و مکان، تصمیم گیری)، و مرزهای بیرونی (دوستان، علایق و سرگرمی‌ها) را هم دربر می‌گیرد.

مقیاس‌های انطباق پذیری، پراکندگی منحنی گونه‌ای را از عدم انعطاف پذیری (خشک) تا منعطف و بیش از حد منعطف و آشفته، ارائه می‌دهد و شامل خرده مقیاس‌های زیر است: رهبری (از سلطه گری تا رهبری ضعیف)، نظم (از دیکتاتوری تا هرج و مرج)، مذاکره (از تحمیل نظرات تا تصمیمات تکانشی)، نقش‌ها (از خشک تا متغیر)، و قوانین (از نامنطق تا ساختار قانونی معین).



شکل ۱. الگوی سنجش و ارزیابی پیچیده حلقوی خانواده و زوج

این پژوهش در صدد است تا براساس دیدگاه مک مستر به عنوان یک دیدگاه جامع نگر و دیدگاه روانی-آموزشی غنی سازی رابطه بعنوان یک الگوی رابطه محور، به مولفه مهم همبستگی - انعطاف پذیری در روابط زناشویی در بین زوج های ایرانی مهاجر ساکن در ونکور کانادا بپردازد. از آنجایی که براساس مطالعات و مشاهدات انجام شده در بین زوج های مهاجر، شیوع طلاق و تعارضات در بین آنها قابل توجه است و زوج های ایرانی مهاجر به علت مواجه شدن با دو فرهنگ، شرقی و غربی، در تعادل بخشی بین میزان استقلال و وابستگی در روابط با همسرانشان دچار بحران می شوند، محقق علاقمند است تا اثربخشی آموزش مفاهیم دو رویکرد اشاره شده را در تعادل سازی دو مفهوم همبستگی و انعطاف پذیری در روابط زناشویی را بررسی کند.

بررسی قرار می گیرد. اصول بنیادین این الگو عبارت است از: ارتباط بین بخش ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل درک نبودن یک جزء جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل دهی رفتار اعضای خانواده و این که کارکرد خانواده چیزی است بیش از کارکرد مجموع اجزای آن. الگوی مک مستر، ابعاد مهم عملکرد را در سه دسته وظایف بنیادی، وظایف رشدی، مسایل مربوط به مراحل خانواده و رویدادهای مخاطره آمیز دسته بندی می کند. طبق الگوی مک مستر، ابعاد مهم عملکرد خانواده عبارتند از: حل مساله، ارتباط، نقش ها، پاسخدهی عاطفی، درگیری عاطفی و کنترل رفتار. تمام خانواده های دارای عملکرد ضعیف، در زمینه موضوعات عاطفی، مشکل دارند و اغلب از طی فرآیند حل مساله عاجزند. در این خانواده ها، ارتباطات نادیده گرفته شده و یا فاقد صلاحیت است، تخصیص و پاسخدهی نقش، مشخص و واضح نیست، گستره واکنش های هیجانی، محدود بوده، کمیت و کیفیت این واکنش ها، متناسب با بافت و محیط، غیرعادی است، در عین حال، اعضای خانواده به یکدیگر علاقه نداشته و در مورد یکدیگر اقدام به سرمایه گذاری عاطفی نمی کنند (۶). همان طور که در بالا اشاره شد، در این پژوهش علاوه بر رویکرد مک مستر از رویکرد روانی آموزشی غنی سازی روابط همسران هم استفاده شده است. یکی از عمده ترین رویکردهای مطرح در زمینه زوجی و زناشویی، مدل های روانی-آموزشی هستند (۷). در گذشته بیشتر رویکردهای روانی-آموزشی با عنوان رویکردهای پیشگیرانه مطرح بودند. علی رغم تفاوت های موجود بین پیشگیری و درمان، طی دو دهه گذشته مرزهای بین این دو نوع مداخله تا حدودی از بین رفته است (۸). این الگو برای پیشبرد و غنی کردن روابط افراد نزدیک و صمیمی، به خصوص افراد خانواده طراحی شده است. این الگو می تواند برای افراد، زوج ها و یا گروه های بزرگ تر اجرا شود. هدف این الگو، افزایش رضایت روانشناختی و عاطفی موجود در افراد و آموزش مهارت های اختصاصی رفتاری بین فردی برای تغییر رفتار است (۸). این الگو شامل سه مهارت اصلی همدلی، ابراز فکر و احساس و بحث و گفتگو است. در کنار این سه مهارت اصلی گورمی مهارت های تسهیل، حل مشکل و تعارض، تعمیم، بقاء، خود تغییری و کمک به تغییر دیگری را هم به مرور اضافه کرد (۹).

مواد و روشها

پژوهش حاضر از نوع پژوهش نیمه تجربی است. طرح انتخابی برای اجرا نیز طرح پیش آزمون و پس آزمون با دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل است که پس از مداخله آموزشی، مورد مشاهده و اندازه گیری قرار گرفتند.

جامعه آماری مورد نظر کلیه زوج های ایرانی بودند که در مدارس سطح شهر ونکوور کانادا فرزندانشان در حال تحصیل بودند. پس از اخذ موافقت، موضوع پژوهش، با مسؤل بخش استقرار دانش آموزان ایرانی در آموزش و پرورش شهر ونکوور در میان گذاشته شد و در سطح مدارس تبلیغات انجام شد. از آبان تا دی ماه ۱۳۹۵ این تبلیغات با عنوان «کارگاه بهبود روابط همسران و آموزش مهارت های زندگی زناشویی» صورت گرفت.

از بین ۶۰ زوج داوطلب، ۲۴ زوج (۴۸ نفر)، به صورت تصادفی ساده و با روش قرعه کشی انتخاب شدند، و در سه گروه ۸ زوجی (۱۶ نفره، هر گروه شامل ۸ زن و ۸ مرد) قرار گرفتند. گروه آزمایش اول، تحت آموزش روانی - آموزشی (RE) و گروه آزمایش دوم، تحت آموزش الگوی کارکردی مگ مستر قرار گرفتند. گروه کنترل در لیست انتظار و دور از هرگونه مداخله آموزشی بودند.

ملاک انتخاب زوج ها در پژوهش حاضر، داشتن حداقل یک فرزند، تحصیلات دانشگاهی، داشتن حداقل ۵ سال سابقه ازدواج و بالای ۳ سال اقامت در کانادا بود.

سپس دوره های آموزشی برای دو گروه اجرا شد. برای گروه تحت آموزش الگوی روانی - آموزشی (RE) ۱۰ جلسه، هر جلسه ۱۲۰ دقیقه بود. زوج های حاضر در گروه دوم، یعنی گروه آموزشی مک مستر هم ۱۰ جلسه، ۱۲۰ دقیقه ای آموزش داده شدند. در هر هفته یک جلسه آموزشی برای هر گروه اجرا شد و گروه کنترل نیز در طول دوره اجرای سایر گروه ها، آموزشی را دریافت نکردند، اما به دلیل ملاحظات اخلاقی پژوهش، پس از اتمام طرح، دوره ای هم برای اعضای گروه کنترل اجرا شد. در حین اجرا، ۲ زوج از گروه روانی - آموزشی افت داشتند که برای حفظ پیش فرض های فرضیات آزمون، نتایج دو زوج، به صورت تصادفی از گروه مک مستر و دو زوج از گروه کنترل کنار گذاشته شدند. در نهایت از هر گروه ۶ زوج (۱۲ نفره، ۶ مرد و ۶ زن) باقی ماندند و در تحلیل ها، نتایج به دست آمده این زوج ها، مورد بررسی قرار گرفتند. پس از اتمام دوره های آموزشی و در جلسه آخر هر گروه، پس آزمون ها روی تمام زوج های حاضر در گروه های سه گانه اجرا شد.

نتایج حاصل در پیش آزمون با نمرات پس آزمون گروه ها مقایسه شد تا میزان اثربخشی هر یک از رویکردها در تعادل بخشی همبستگی - انطاف پذیری زوج ها بررسی و مقایسه شود. در نهایت به منظور بررسی ماندگاری اثر متغیر آزمایشی، پس از سه ماه، آزمون پیگیری انجام شد و نتایج آن نیز جداگانه مورد تحلیل قرار گرفتند. مقیاس مورد استفاده در این پژوهش ارزیابی همبستگی و انعطاف پذیری است که ابتدا، حین انجام رساله پورتنر و بل (۵) به سرپرستی دیوید اولسون، در دانشگاه مینه سوتا تدوین شد. مقیاس ارزیابی همبستگی انعطاف پذیری ابزاری تک صفحه ای و خودگزارشی است که ۲۰ سؤال دارد و نمره گذاری آن بر اساس الگوی حلقوی پیچیده سه بعدی تجدید نظر شده درباره سیستم زوج و خانواده انجام می گیرد. از اعضا خواسته می شود تا هر سؤال را با توجه به مقیاس ۵ درجه ای لیکرتی، به ترتیب ۱: تقریباً هرگز، ۲: چند وقت یکبار، ۳: گاهی، ۴: اکثراً، و ۵: تقریباً همیشه ارزش گذاری کنند. در واقع آزمون گر، پس از انجام مصاحبه، خرده مقیاس های اصلی همبستگی، انطباق پذیری و ارتباط را در مورد خانواده مراجعه کننده، درجه بندی می کند. خرده مقیاس همبستگی از گسسته (۱ و ۲) تا بیش از حد مرتبط/ تنیده (۹ و ۱۰) متغیر است و ابعادی مانند پیوند عاطفی، ارتباط خانوادگی، ارتباط زناشویی و رابطه والد- فرزند را در بر می گیرد. بعد همبستگی درجه بندی مرزهای درونی (زمان و مکان، تصمیم گیری)، و مرزهای بیرونی (دوستان، علایق و سرگرمی ها) را هم دربر می گیرد. مقیاس های انطباق پذیری، پراکندگی منحنی گونه ای را از عدم انعطاف پذیری (خشک) تا منعطف و بیش از حد منعطف و آشفته ارائه می دهد و شامل خرده مقیاس های زیر است: رهبری (از سلطه گری تا رهبری ضعیف)، نظم (از دیکتاتوری تا هرج و مرج)، مذاکره (از تحمیل نظرات تا تصمیمات تکانشی)، نقش ها (از خشک تا متغیر)، قوانین (از نامنطق تا ساختار قانونی معین). مقیاس ارتباطی هم طیفی است که از سطوح پایین ارتباط تا سطوح بالا کشیده می شود. ابعادی که در این حوزه درجه بندی می شوند عبارتند از: مهارت های گوش کردن (همدلی، گوش کردن توجه آمیز)، مهارت های صحبت کردن (صحبت با یک نفر، صحبت برای سایرین)، بی پرده گویی، وضوح ارتباطی، تداوم در ارتباط، احترام و پذیرش. در این پرسشنامه، همبستگی و انعطاف پذیری دو متغیری هستند که اندازه گیری می شوند. همبستگی در چهار دسته، به صورت خطی قرار می گیرند: گسسته، جدا، مرتبط، و به هم تنیده. انعطاف پذیری هم به همین ترتیب به چهار گروه

جدول ۱. فراوانی در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ همبستگی و انعطاف پذیری زناشویی

کل	کنترل	پس آزمون	پیش آزمون		
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	کنترل	مجموع
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	روانی آموزشی	
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	مک مستر	
۱۰	۳	۳	۴	کنترل	آشفته
۵	۱	۰	۴	روانی آموزشی	
۴	۱	۱	۲	مک مستر	
۷	۲	۲	۳	کنترل	منعطف
۱۴	۵	۵	۴	روانی آموزشی	
۱۳	۴	۵	۴	مک مستر	انعطاف پذیری
۵	۲	۲	۱	کنترل	باساختار
۱۰	۴	۴	۲	روانی آموزشی	
۱۲	۵	۴	۳	مک مستر	
۱۲	۳	۳	۴	کنترل	سخت
۱۰	۴	۴	۲	روانی آموزشی	
۸	۲	۳	۳	مک مستر	
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	کنترل	مجموع
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	روانی آموزشی	
۳۶	۱۲	۱۲	۱۲	مک مستر	
۱۱	۳	۴	۴	کنترل	تنیده
۱۳	۴	۴	۵	روانی آموزشی	
۸	۲	۲	۴	مک مستر	
۶	۱	۲	۳	کنترل	مرتبط
۱۶	۵	۶	۵	روانی آموزشی	همبستگی
۱۳	۴	۴	۵	مک مستر	
۷	۲	۲	۳	کنترل	جدا
۸	۳	۳	۲	روانی آموزشی	
۴	۱	۱	۲	مک مستر	
۱۲	۴	۴	۴	کنترل	گسسته
۶	۱	۲	۳	روانی آموزشی	
۸	۲	۲	۴	مک مستر	

مفاهیم همبستگی و انعطاف پذیری در قالب یک پیوستار دیده می‌شوند و دو انتهای این پیوستار نشان دهنده روابط سالم در بین همسران نیستند، بلکه قرار گرفتن در نقاط مرکزی پیوستار، روابط سالم را نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به اینکه در داده‌های آماری به جای نمره با فراوانی سروکار داریم؛ لذا برای مقایسه زیر مقیاس‌ها در این پژوهش از روش آماری کای دو برای تحلیل استفاده شد.

یافته‌ها

داده‌های جدول ۱ فوق نشانگر میزان فراوانی گروه‌های روانی - آموزشی، مک مستر و کنترل، در آزمون‌های سه گانه پیش

تقسیم می‌شود: سخت، باساختار، منعطف، و آشفته. نمرات خام همبستگی و انطباق پذیری حاصل از اجرای ابزار، روی صفحه‌ای جداگانه، به نمره‌ای ۸ درجه‌ای تبدیل می‌شود. میانگین نمرات دو مقیاس محاسبه شده، تا با یکی از این چهار نوع خانواده همخوان شود: انتهایی، میانه، نسبتاً متعادل، و متعادل. ثبات درونی این ابزار ۰/۸۹ برای مقیاس همبستگی، و ۰/۷۹ برای مقیاس انطباق پذیری گزارش شده است. ضرایب بازآزمایی مقیاس همبستگی، ۰/۸۳ و برای انطباق پذیری ۰/۸۰ گزارش شده است. گزارشات اخیر نشان دهنده روایی صوری و افتراقی قابل قبولی هستند (۱۷). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرانباخ این آزمون ۰/۸۵ محاسبه شد. از آنجایی که

جدول ۲. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف انعطاف پذیری و گروه‌های مختلف در پیش آزمون

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
کای دو	۶	۰/۸۵۱	۰/۸۷۲
نسبت درست نمایی	۶	۰/۸۳۵	۰/۸۶۳
آزمون دقیق فیشر			۰/۸۷۲

جدول ۳. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف انعطاف پذیری و گروه‌های مختلف در پس آزمون

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
کای دو	۶	۰/۴۲۴	۰/۴۵۹
نسبت درست نمایی	۶	۰/۳۶۶	۰/۴۹۹
آزمون دقیق فیشر			۰/۵۶۶

جدول ۴. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف انعطاف پذیری و گروه‌های مختلف در پیگیری

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
کای دو	۶	۰/۶۱۲	۰/۶۵۶
نسبت درست نمایی	۶	۰/۶۴۴	۰/۷۲۸
آزمون دقیق فیشر			۰/۷۲۵

با توجه به مقدار آمار کای دو ۱/۲۰۹ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۱/۵۵۰ به ترتیب با سطح معنی داری‌های ۰/۹۸۰۱ و ۰/۹۸۷ و مقایسه این سطح معنی داری‌ها با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیر مقیاس‌های همبستگی در پیش آزمون با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۴).

با توجه به مقدار آمار کای دو ۳/۲۴۰ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۳/۵۱۳ و به ترتیب با سطح معنی داری ۰/۸۱۰ و ۰/۸۷۲ و مقایسه این سطح معنی داری‌ها با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیرمقیاس‌های همبستگی در پس آزمون با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۵).

با توجه به مقدار آمار کای دو ۵/۴۳۵ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۵/۵۷۴ و به ترتیب با سطح معنی داری ۰/۵۳۲ و ۰/۵۱۸ و مقایسه این سطح معنی داری‌ها با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیر مقیاس‌های همبستگی در پیگیری با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۶).

آزمون، پس آزمون و پیگیری، به تفکیک خرده مقیاس‌های انعطاف پذیری - همبستگی است.

با توجه به مقدار آمار کای دو ۲/۶۴۸ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۲/۸۷۲ و سطح معنی داری ۲/۸۷۲ و مقایسه این سطح معنی داری با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیر مقیاس‌های انعطاف پذیری در پیش آزمون با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۱).

با توجه به مقدار آمار کای دو ۰/۹۹۵ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۵/۱۵۶ و به ترتیب با سطح معنی داری ۰/۴۹۵ و ۰/۵۶۶ و مقایسه این سطح معنی داری‌ها با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیر مقیاس‌های انعطاف پذیری در پس آزمون با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۲).

با توجه به مقدار آمار کای دو ۴/۴۸۳ با ۶ درجه آزادی و آزمون دقیق فیشر ۴/۱۳۷ و به ترتیب با سطح معنی داری ۰/۶۵۶ و ۰/۷۲۵ و مقایسه این سطح معنی داری‌ها با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود فراوانی (نسبت) افراد در گروه‌های مختلف (کنترل، مک مستر و روانی -آموزشی) و زیر مقیاس‌های انعطاف پذیری در پیگیری آزمون با هم اختلاف معنی داری ندارند ($p > 0/05$) (جدول ۳).

جدول ۵. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف همبستگی و گروه‌های مختلف در پیش آزمون

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
۱۲۰۹	۶	۰/۹۷۶	۰/۹۸۰
۱/۲۲۳	۶	۰/۹۷۶	۰/۹۸۷
۱/۵۵۰			۰/۹۸۷

جدول ۶. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف همبستگی و گروه‌های مختلف در پس آزمون

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
۳/۲۴۰	۶	۰/۷۷۸	۰/۸۱۰
۳/۴۴۰	۶	۰/۷۵۲	۰/۷۸۶
۳/۵۱۳			۰/۷۸۲

جدول ۷. آزمون کای دو برای مقایسه نسبت (فراوانی) در سطوح مختلف همبستگی و گروه‌های مختلف در پیگیری

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری	سطح معنی داری دقیق
۵/۴۳۵	۶	۰/۴۸۹	۰/۵۳۲
۶/۰۳۸	۶	۰/۴۱۹	۰/۵۳۳
۵/۵۷۴			۰/۵۱۸

بحث

روابط زناشویی با کیفیت و همراه با رضایت‌مندی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری یک خانواده سالم و با نشاط است. دو مولفه مهم و اساسی در روابط بین همسران همبستگی و انعطاف پذیری است. همبستگی درجه وابستگی و استقلال را در بین همسران و انعطاف پذیری، توانایی سیستم زناشویی به تغییر پذیری موثر در موقعیت‌های استرسی و فشارهای محیطی را مشخص می‌کند. قرار گرفتن زوج‌ها در نقطه مرکزی همبستگی یعنی روابط مرتبط و جدا و در مفهوم انعطاف پذیری ایستادن در نقاط منعطف و با ساختار نشان دهنده روابط سالم در بین همسران است. ناتوانی این دو رویکرد در تاثیر گذاری بر مفاهیم همبستگی و انعطاف پذیری در روابط بین همسران را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد، از یک طرف موقعیت شرکت‌کننده‌های در این پژوهش که به عنوان مهاجرین جدید، به علت شکننده بودن موقعیتشان، حاضر به ریسک جابجایی و تغییرات در نوع رابطه با همسرشان نبودند و از طرف دیگر تاثیر پذیری از فرهنگ غربی که بیشتر به فردیت و استقلال افراد توجه دارد و در مقابل، فرهنگ شرقی و ایرانی شرکت‌کننده‌های در پژوهش که بیشتر به وابستگی تمایل دارند باعث شد تا شرکت‌کننده‌ها دست به تغییر در فاصله ارتباطی خود با همسرانشان نزنند و علی‌رغم مداخلات آموزشی مطابق با مفاهیم رویکرد مک

مستر و رویکرد غنی سازی رابطه، به نقاط مرکزی همبستگی و انعطاف پذیری تمایلی نشان ندهند.

بوستانی پور (۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان " بررسی اثربخشی زوج درمانی به شیوه روانی - آموزشی و سیستم محور گروهی بر روی همبستگی - انعطاف پذیری زوج‌ها" نشان داد، این دو رویکرد در تعادل بخشی زوج‌ها (یعنی قرار گرفتن زوج‌ها در محور مرکزی زیر مجموعه‌های همبستگی و انعطاف پذیری) موفق نبودند. محقق در توضیح خود آورده است "در فرهنگ ما رابطه زناشویی مطلوب، یک رابطه تنیده است که زن و شوهر نباید در آن هیچ‌گونه راز پنهان از هم داشته باشند، و در واقع در طول درمان، زوج‌ها برای بهبود روابط، به غلط، سعی می‌کنند حریم‌های فردی را کنار زده و به اسم بهبود رابطه، تمام مسائل خصوصی فردی را هم برای همسر خود بازگو کنند، که این مفروضات مربوط به همبستگی و سلامت رابطه زوجی در تناقض است". همان‌طور که مشاهده می‌شود یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بوستانی پور هماهنگ است، هرچند که دلایل عدم موفقیت، به علت نوع آزمودنی‌ها در این پژوهش با دلایل بوستانی پور متفاوت هستند.

اما در پژوهش دیگر که توسط بابا خانی (۱۱) تحت عنوان "مقایسه اثر بخشی الگوی کارکرد مک مستر و فلدمن بر ذهن آگاهی و تعارض زناشویی زوجین" انجام شد، نشان می‌دهد یافته‌های آن با یافته‌های پژوهش حاضر همسو نیست. در

عنصر مهم فرهنگ و عوامل موقعیتی، درمان و آموزش را بی‌اثر یا ناکارآمد خواهد کرد.

واقع باباخانی در پژوهش خود نشان می‌دهد، آموزش الگوهای مک مستر در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش همبستگی موثر است.

تشکر و قدردانی

در خاتمه لازم می‌دانم از سرکار خانم لیلا نعمتی مسول دانش آموزان فارسی زبان مدرسه ادموند در ونکوور و تمامی زوج‌های شرکت کننده در این پژوهش تشکر کنم.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که علی‌رغم اهمیت آموزش و مداخلات آموزشی و درمانی رویکردها، توجه به فرهنگ رشدی، فرهنگ میزبان و شرایط موقعیتی نقش مهم و تعیین کننده‌ای را در روابط بین اعضای خانواده، به خصوص همسران بازی می‌کند. در خاتمه مشاوران خانواده و درمانگران باید توجه داشته باشند که در مقوله درمان، عدم توجه یا حذف

REFERENCES

- 1- Minuchin S, Nichols MP, Lee WY. Assessing families and couples: from symptom to systems. NY: Pearson Pub; 2007.
- 2- Hossaini Z. Review of cognition – behavior therapy on reality attitude on marital satisfaction [Master of counseling thesis]. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2000. [In Persian]
- 3- Gurman AS. Clinical handbook of couple therapy. NY: The Guilford Press; 2008.
- 4- Olson DH. Circumplex model of marital and family systems. J Marital Fam Ther 2000;22:144-67.
- 5- Sperry L. Assessment of couples and families: contemporary and cutting-edge strategies. NY: Bruner-Rutledge; 2004.
- 6- Tuzer V, Tuncel A, Goka S, Dogan Bulut S, Yuksel F, V Atan A, et al. Marital adjustment and emotional symptoms in infertile couples: gender differences. Turk J Med Sci 2010; 40: 229-237.
- 7- Kinunnen U, Feldt T. Economic stress and marital adjustment among couples: analyses at the dyadic level. Eur Rev Soc Psychol 2004;5:19-32.
- 8- Langer SL, Yi JC, Storer BE, Syrjala, KL. Marital adjustment, satisfaction and dissolution among hematopoietic stem cell transplant patients and spouses: a prospective, five-year longitudinal investigation. Psycho-Oncology 2010;19:190-200.
- 9- Scuka R. The radical nature of Relationship Enhancement Expressive Skill and its implications for therapy and psychoeducation. Fam J 2011;19:30-5.
- 10- Boostanipor A, Sanaei B, Nazari A. Comparing effects of psycho-education programme and systems-centered group counseling on adjustment and cohesion of couples. Research in Counselling 2013;2:14-36. [In Persian]
- 11- Babakhani V, Navabinejad S, Shafiabadi A, Kiamanesh A. Effects of Macmaster and Feldman model on couples mindfulness and conflicts. Family Psychology 2015;2:79-92. [In Persian]